

روابط سیاسی و عملکرد مالی در بانک‌ها؛ فرصت یا تهدید

یاسر رضائی پیتنه‌نوئی* سید رضا میرعسکری†

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۲۳

چکیده

روابط سیاسی ممکن است در عملکرد بانک هم تأثیر مثبت و هم تأثیر منفی بگذارد که برای تشخیص تأثیر آن به تجزیه و تحلیلی تجربی نیاز است. در این راستا، هدف تحقیق حاضر بررسی رابطه بین ارتباطات سیاسی و عملکرد مالی بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس و فرابورس اوراق بهادار تهران است. برای آزمون فرضیه پژوهش از اطلاعات مالی بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس و فرابورس اوراق بهادار تهران در فاصله زمانی بین سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ استفاده شده است، به طوری که پس از اعمال محدودیت‌های موردنظر در این پژوهش، نمونه نهایی متشکل از ۱۴ بانک انتخاب شد. پس از اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش، از تکنیک داده‌های ترکیبی و تجزیه و تحلیل رگرسیون خطی چندمتغیره برای آزمون فرضیه پژوهش استفاده شد. نتایج حاصل از فرضیه پژوهش بیانگر آن است که بین ارتباطات سیاسی و عملکرد مالی بانک‌ها رابطه منفی معنادار وجود دارد. به عبارت دیگر، روابط سیاسی به تمرکز کمتر بر حداکثرسازی ارزش سهام و تضعیف عملکرد مالی بانک‌ها منجر می‌شود.

واژه‌های کلیدی: ارتباطات سیاسی، عملکرد مالی، بازده دارایی، ریسک، بانک.
طبقه‌بندی JEL: D21, D2, D83, L25

* استادیار گروه اقتصاد و حسابداری دانشگاه گیلان؛ Y.rezaeipitenoiei@guilan.ac.ir (نویسنده مسئول)
† استادیار گروه اقتصاد و حسابداری دانشگاه گیلان؛ Rmiraskari@guilan.ac.ir

۱ مقدمه

تهدیدات و فشارهای ناشی از جهانی‌شدن و رشد روزافزون مؤسسات مالی و اعتباری غیربانکی در سال‌های اخیر بانک‌ها را بر آن داشته است برای بقا و رقابت در بازار، با ایجاد مراکز تحقیقات و انجام فعالیت‌های پژوهشی در زمینه وضعیت خود در مقایسه با سایر بانک‌ها، نسبت به بهبود عملکرد خود در بازار داخلی و خارجی اقدام کنند (کرد و همکاران، ۱۳۹۰). از طرفی در ادبیات نظری، به‌گسترده‌ای بیان شده است که ارتباطات سیاسی ارزش شرکت‌ها را افزایش می‌دهد (فیزمان^۱، ۲۰۰۱؛ جانسون و میتون^۲، ۲۰۰۳؛ لی و همکاران^۳، ۲۰۰۸؛ گلدمن و همکاران^۴، ۲۰۰۹). ارتباطات سیاسی تأثیر توأمان مثبت و منفی در حوزه کسب‌وکار دارند. برخورداری شرکت‌ها از روابط سیاسی می‌تواند منافی از قبیل شرایط مناسب استقرار، کاهش هزینه‌های مالی، بهبود فرصت‌های رشد، و کاهش احتمال وقوع ورشکستگی را به‌همراه داشته باشد (هوستون و همکاران^۵، ۲۰۱۴؛ فاسیو و همکاران^۶، ۲۰۰۶). باوجوداین، روابط سیاسی می‌تواند پیامدهایی مانند اهرم مالی بالا، سودآوری و تقسیم سود کمتر، هزینه سرمایه بالاتر، و نیز بهره‌برداری فرصت‌طلبانه از حقوق سایر سهامداران را موجب شود (فاسیو، ۲۰۱۰؛ حسن و همکاران^۷، ۲۰۱۲)؛ هرچند این مطالعات عمدتاً بر دیدگاه وام‌گیرندگان متمرکز شده‌اند و مشخص نیست که آیا ارتباط با دولت می‌تواند به ارزش بانک‌هایی که به شرکت‌های سیاسی وابسته وام می‌دهند، بیفزاید. تعجب‌آور است که یافته‌های تجربی کمی در مورد تأثیر ارتباطات سیاسی در وام‌دهندگان (بانک‌ها) وجود دارد.

یکی از مزایای ارتباطات سیاسی شرکت‌ها دسترسی مجدد به وام از دولت یا بانک‌های وابسته به سیاست است (خوایا و میان^۸، ۲۰۰۵). خوایا و میان (۲۰۰۵) نشان می‌دهند شرکت‌های قدرتمند سیاسی می‌توانند با اعمال فشار از بانک‌های دولتی وام بگیرند و این

¹ Fisman

² Johnson, & Mitton

³ Li et al.

⁴ Goldman et al.

⁵ Houston et al.

⁶ Faccio et al.

⁷ Hassan et al.

⁸ Khwaja & Mian

شرکت‌های وابسته به سیاست از این وام‌ها بهره‌مند خواهند شد، درحالی‌که بانک‌ها تحت فشار قرار می‌گیرند. علاوه‌براین، بانک‌ها برای تضمین امنیت بانکی تمایل دارند اولویت را به‌جای سهامداران بانک، به اعتباردهندگان بدهند (اونالی و همکاران^۱، ۲۰۱۶). در نتیجه، به‌جای تلاش برای به‌حداکثر رساندن ارزش سهام، هیئت‌مدیره بانک‌های وابسته به سیاست ممکن است به‌علت فشار از سوی مقامات، به‌نفع دولت عمل کنند. چنین مشکلات نمایندگی همچنین می‌تواند در قالب وام‌های سیاسی و یا گرایش به اهداف سیاسی به‌وجود آید که می‌تواند به عملکرد بانک آسیب برساند (برگر و همکاران^۲، ۲۰۰۹؛ گل^۳، ۲۰۰۶). از این‌رو، روابط قوی با دولت ممکن است به تمرکز کمتر بر حداکثرسازی ارزش سهام و عملکرد پایین منجر شود.

از طرف دیگر، فاسیو و همکاران (۲۰۰۶) استدلال می‌کنند وام‌دهندگان ممکن است تمایل داشته باشند به شرکت وابسته به سیاست وام دهند، زیرا زمانی که با بحران اقتصادی مواجه می‌شوند، می‌توانند زودتر از همتایان غیروابسته خود از آن خارج شوند. همچنین، معتقدند وام‌دهندگان تمایل دارند به شرکت‌های وابسته به سیاست باوجود پرمخاطره‌بودن و داشتن ریسک بالا وام دهند، زیرا این شرکت‌ها می‌توانند هنگام مشکلات مالی کمک‌های مالی از سمت دولت دریافت کنند. علاوه‌براین، بانک‌های وابسته به سیاست ممکن است دسترسی بهتری به منابع تأمین مالی، پشتیبانی نقدینگی بموقع از بانک مرکزی یا بانک‌های وابسته به سیاست دیگر داشته باشند و در صورت امکان فشار ناشی از مراجع قانونی را کاهش دهند، مانند عبور آسان از بازرسی قانونی. یک بانک متصل به سیاست همچنین می‌تواند از ارتباطات برای تبادل مساعدت برای دستیابی به اهداف سازمان استفاده کند (گو و همکاران^۴، ۲۰۰۸) و در نتیجه عملکرد بانک را بهبود بخشد. در مقایسه با یک بانک بدون ارتباط سیاسی، یک بانک متصل به دولت بیشتر قادر است مسائل سیاسی مرتبط با بانک را شناسایی و تفسیر کند و در واکنش به آن اقدامات مناسب انجام دهد و به‌این‌ترتیب عملکرد بهتر را به‌دست می‌آورد. بر اساس این استدلال، یک بانک وابسته به سیاست ممکن است از روابط با دولت بهره‌مند شود.

با توجه به مطالب فوق، ارتباطات سیاسی ممکن است در عملکرد بانک هم تأثیر مثبت و هم تأثیر منفی بگذارد که برای تشخیص تأثیر آن به یک تجزیه و تحلیل تجربی قوی نیاز

¹ Onali et al.

² Berger et al.

³ Gul

⁴ Gu et al.

است. بنابراین، پاسخ به این پرسش که ارتباطات سیاسی بانک‌ها تأثیر مثبت یا منفی در عملکرد مالی آن‌ها دارد مقوله‌ای است که با قاطعیت نمی‌توان به آن پاسخ داد. لذا، پژوهش حاضر در پی یافتن شواهد تجربی جهت پاسخ به این پرسش اصلی تحقیق است که آیا بین ارتباطات سیاسی و عملکرد مالی بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس و فرابورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود دارد یا خیر. در صورت مثبت بودن پاسخ، نوع رابطه چگونه است؟

یافته‌های پژوهش حاضر باعث طرح موضوع «شبکه ارتباطات» در کشور می‌گردد که این شبکه به دنبال کشف روابط شخصی مدیران عامل با دولت و نقش آن در تبیین عملکرد شرکت است؛ به‌عنوان مثال، ژین و پیرس^۱ (۱۹۹۶) به بررسی اهمیت ارتباطات مدیران عامل با مسئولان دولتی در موفقیت تجاری شرکت‌های خصوصی پرداختند. پارک و لو^۲ (۲۰۰۱) نیز به بررسی چهارچوب یکپارچه برای استفاده از ارتباطات و تأثیر آن در رشد شرکت و عملیات‌های خارجی آن پرداختند. گو و همکاران (۲۰۰۸) هم به مطالعه تأثیر مستقیم ارتباطات در عملکرد بازار در کشور چین پرداختند. مطالعه حاضر نیز با تمرکز بر محیط بانک‌ها، به بررسی ارزش ارتباطات در کمک به مدیران دارای ارتباطات سیاسی در بانک‌های کشور جهت بهبود عملکرد خود خواهد پرداخت. در ادامه ساختار این مقاله به این شکل است که ابتدا با ارائه مبانی نظری و پیشینه پژوهش، فرضیه پژوهش تبیین شده و توضیح مبسوطی از نحوه اندازه‌گیری متغیرها ارائه می‌شود. سپس الگوی پژوهش توضیح داده شده و نتایج و یافته‌های حاصل از اجرای آن بیان می‌گردد. در خاتمه نیز به ارائه نتیجه‌گیری و پیشنهادها می‌پردازد.

۲ مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۱.۲ روابط سیاسی و عملکرد مالی بانک‌ها

بانک‌ها با توجه به نقش‌های مهمی که در نظام مالی دارند - از قبیل ارائه خدمات دسترسی به نظام پرداخت‌ها و نقدینگی، تبدیل دارایی‌ها، مدیریت ریسک و پردازش اطلاعات، و نظارت بر قرض‌گیرندگان - از ارکان مهم نظام مالی هر کشور به‌شمار می‌آیند. در ایران، این نقش با توجه به ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، نقصان بازار سرمایه، و نیاز مبرم اقتصاد به توانمندسازی بخش خصوصی بسیار حساس‌تر شده است. در واقع، بخش بانکی در

¹ Xin & Pearce

² Park & Luo

اقتصاد ایران - به‌عنوان مهم‌ترین مجرای ارتباطی میان بخش پولی و حقیقی - به‌حدی مهم است که هرگونه نقصان در ساختار این بخش و ناکارآمدی عملکرد آن، زمینه‌های بروز اختلال در سایر بخش‌ها را نیز فراهم می‌آورد و آسیب‌پذیری آن برابر با آسیب‌پذیری اقتصاد است (طالب‌لو و همکاران، ۱۳۹۱؛ سلگی، ۱۳۹۷).

در اقتصاد مبتنی بر بازار، نظام بانکی مسئولیت بسیار سنگینی بر عهده دارد و یکی از مهم‌ترین اجزای اقتصادی کشور است. بانک‌ها می‌توانند با فراهم‌آوردن سرمایه مالی برای بخش‌های اقتصادی، شرایط مناسبی برای سرمایه‌گذاری فراهم آورند و باعث افزایش اشتغال و تولید ملی شوند. بانک‌ها حتی با تأمین اعتبار برای متخصصان، می‌توانند باعث ایجاد فرصت‌های شغلی جدید و توزیع بهتر درآمد در سطوح جامعه شوند. افزون بر این، بانک‌ها با نگهداری پول نقد و تسهیل در نقل‌وانتقال آن حافظ اموال شخصی، دولتی، و مبادلات داخلی و خارجی هستند. بانک‌ها همچنین به‌عنوان عامل اجرای سیاست‌های پولی نقش مهمی در ثبات اقتصادی دارند. باوجود این، تهدیدات و فشارهای ناشی از جهانی‌شدن و رشد روزافزون مؤسسات مالی و اعتباری غیربانکی در سال‌های اخیر، بانک‌ها را بر آن داشته است برای بقا و رقابت در بازار، نسبت به بهبود عملکرد خود در بازار داخلی و خارجی اقدام کنند.

مطالعات زیادی نشان می‌دهد که پیروی از استانداردهای حسابداری به‌تنهایی نمی‌تواند بهبود وضعیت مالی و کیفیت صورت‌های مالی و ارقام مندرج در آن را تضمین کند، زیرا عوامل دیگری نیز در کیفیت صورت‌های مالی و گزارشگری مالی تأثیر دارند. یکی از عوامل بااهمیت و قابل‌توجه نفوذ سیاسی مدیران و مالکان بنگاه‌های اقتصادی در محافل سیاسی و روابط آن‌ها با کانون‌های قدرت سیاسی است (چنی و همکاران^۱، ۲۰۱۲). روابط و نفوذ سیاسی نه‌تنها در وضعیت مالی بنگاه‌های اقتصادی تأثیر می‌گذارد، بلکه انگیزه‌های مدیران را نیز در ارتباط با گزارشگری مالی و تهیه صورت‌های مالی تحت تأثیر قرار می‌دهد که انتظار می‌رود این امر در نهایت باعث ایجاد تفاوت چشمگیر در کیفیت صورت‌های مالی شرکت‌های دارای روابط سیاسی در مقایسه با شرکت‌های بدون روابط سیاسی شود (نیکومرام و همکاران، ۱۳۹۲ ب).

نظریه اقتصاد سیاسی از نیمه دوم قرن بیستم با گسترش و نفوذ مکتب لیبرالیسم وارد متون اقتصادی جهان شد. این نظریه نه‌تنها مورد توجه اقتصاددانان و سیاست‌مداران واقع شده است، بلکه جامعه‌شناسان نیز آثاری در بسط و توضیح این نظریه ارائه داده‌اند. بر اساس این نظریه، اقتصاد و سیاست تأثیر متقابل در یکدیگر دارند. این بدان معناست که فعالیت و

¹ Chaney et al.

تصمیم‌گیری‌های سیاسی تأثیر مستقیم و غیرمستقیم در فعالیتهای اقتصادی و برعکس دارند (مهدی‌فرد و رویایی، ۱۳۹۴). به اعتقاد فیزمان (۲۰۰۱)، روابط سیاسی در مقایسه با پایه‌های اقتصادی شرکت، عامل اساسی تعیین‌کننده سودآوری شرکت در کشورهای درحال توسعه است. وی معتقد است عایدات شرکت‌های دارای روابط سیاسی به‌طور گسترده تحت تأثیر تصمیمات دولت قرار دارد.

نشانه‌های مدیریت سیاسی شرکت‌ها عبارت‌اند از وجود اعضای هیئت‌مدیره وابسته به دولت، مجلس، و دیگر نهادهای سیاسی، و یا وجود سهامدار عمده (دارای حداقل ۱۰ درصد سهام حق رأی) دولتی و شبه‌دولتی (لی و وانگ^۱، ۲۰۱۶). یکی دیگر از معیارهایی که در تحقیقات اخیر برای اندازه‌گیری ارتباط سیاسی مورد استفاده قرار گرفته است معیار بدهی بلندمدت است. مطالعات متعدد (مانند فان و همکاران^۲، ۲۰۰۸؛ فان و وانگ^۳، ۲۰۰۶) نشان داده است ارتباط سیاسی بیشتر در شرکت‌ها باعث فرصت دسترسی شرکت‌ها به منابع بلندمدت و کم‌هزینه‌تر شده و در نتیجه در شرکت‌های با ارتباط سیاسی بالاتر نسبت بدهی‌های بلندمدت بیشتر می‌گردد. خویا و میان (۲۰۰۵) معتقدند شرکت‌های سیاسی قدرتمند قادرند با اعمال تهدیدهایی برای مدیران عامل بانک‌ها از جمله ترس از جابه‌جایی و ازدست‌دادن منصب و یا دادن وعده پست جدید و ارتقای سمت، اقدام به استفاده از رانت‌های موجود در بانک‌های دولتی کنند. نتیجه این مسئله برخورداری این شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی از وام‌های حاصل از این گونه رانت‌جویی و در مقابل خسران بانک‌ها خواهد بود. همچنین، این مسئله دولت را مجاب به اولویت‌دادن به اعتباردهندگان نسبت به سهامداران بانک‌ها می‌کند تا از این طریق امنیت بانک را تضمین کنند (اونالی و همکاران، ۲۰۱۶). در نتیجه، هیئت‌مدیره این‌گونه بانک‌ها به‌جای اینکه به‌دنبال افزایش ارزش سهامدار باشند، بر اثر فشارهای واردآمده از سوی مسئولان به‌نفع دولت گام نخواهند داشت. برخی از این مسائل نمایندگی نیز ممکن است در قالب وام‌های سیاسی و یا گماشتن نزدیکان بر مناصب برای مقاصد سیاسی جلوه کنند که در نهایت به ضرر بانک‌ها و عملکرد آن‌ها خواهد بود (برگر و همکاران، ۲۰۰۹؛ گال، ۲۰۰۶). بنابراین، برخورداری از ارتباطات دولتی قوی به‌معنی توجه کمتر به افزایش ارزش سهامدار خواهد بود و در نتیجه عملکرد ضعیف‌تر را در پی خواهد داشت. از سوی دیگر، فاسیو و همکاران (۲۰۰۶) معتقدند وام‌دهندگان بیشتر تمایل به وام‌دادن به آن دسته از شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی دارند که بیشتر از هم‌قطاران

¹ Lee & Wang

² Fan et al.

³ Fan & Wang

غیرسیاسی خود قادر به ارائه ضمانت در هنگام مواجهه با بحران‌های مالی و اقتصادی‌اند. علاوه بر مسئله وام‌دهی، بانک‌های دارای ارتباطات سیاسی در صورت امکان دسترسی آسان‌تر به منابع مالی، حمایت نقدینگی بموقع از سوی بانک مرکزی، گروه‌های مخالف و یا سایر بانک‌های وابسته دارند، و همچنین از مزایایی چون تمدید مدت زمان بازپرداخت وام و یا عبور آسان از بازرسی‌های قانونی برخوردارند. علاوه بر این، بانک‌ها می‌بایست با ایجاد توازن در تقاضاهای مطرح از سوی دولت طوری عمل کنند که به‌خاطر برخی انگیزه‌های غیراقتصادی، انگیزه‌های اقتصادی خود را فدا نکنند. در مقایسه با بانک‌های بدون ارتباطات سیاسی، بانک‌های دارای ارتباطات سیاسی از قدرت بالایی در شناسایی و تعبیر علائم سیاسی، استفاده صحیح از زبان دیپلماتیک، انجام اقدامات سنجیده و در نتیجه بهبود عملکرد خود برخوردارند. با توجه به آنچه مطرح شد، پیوند بانک‌های دارای ارتباطات سیاسی با دولت مزایای زیادی برای آن‌ها به‌همراه خواهد داشت.

۲.۲ پیشینه پژوهش

هانگ و همکاران^۱ (۲۰۱۷) در مطالعه‌ای به بررسی رابطه ارتباطات سیاسی با عملکرد مالی در بانک‌های چین پرداختند. برای این منظور، تعداد ۷۰ بانک بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۴ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتیجه به‌دست‌آمده در این پژوهش نشان داد بین ارتباطات سیاسی با عملکرد مالی بانک‌های چین رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. حبیب و همکاران^۲ (۲۰۱۷) به بررسی ارتباطات سیاسی و معاملات با اشخاص وابسته در نمونه متشکل از ۱۷۷۵ شرکت پذیرفته‌شده در بورس سهام اندونزی پرداختند. دوره زمانی پژوهش طی سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۳ بوده و نتایج نشان داد شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی نسبت به همتایان خود که دارای روابط سیاسی نیستند، از میزان معاملات با اشخاص وابسته بیشتری برخوردارند و بین ارتباطات سیاسی و معاملات با اشخاص وابسته در شرکت‌ها رابطه معناداری وجود دارد. بوباکری و همکاران^۳ (۲۰۱۲) در پژوهش خود به بررسی تأثیر روابط سیاسی در عملکرد شرکت و تصمیمات تأمین مالی پرداختند. آن‌ها دریافتند شرکت‌ها بعد از برقراری روابط سیاسی عملکرد خود را بهبود می‌بخشند و بدهی خود را افزایش می‌دهند. لین و

¹ Hung et al.

² Habib et al.

³ Boubakri et al.

همکاران^۱ (۲۰۱۱) نیز به بررسی تأثیر سابقه شغلی مدیرعامل در نوآوری در شرکت پرداختند و ادعان داشتند تلاش‌های شرکت‌ها در راستای نوآوری ارتباط معناداری با ارتباطات سیاسی مدیران عامل آن‌ها دارد. کائو و همکاران^۲ (۲۰۰۹) ضمن بررسی انگیزه‌های سیاسی و مالی مدیران عامل انتصابی از سوی دولت، دریافته‌اند هر دو عامل در عملکرد شرکت تأثیرگذارند. فان و همکاران (۲۰۰۷) نیز معتقدند شرکت دارای مدیران عامل برخوردار از ارتباطات سیاسی بر اثر دخالت دولت عملکرد ضعیف‌تری نسبت به شرکت‌های تحت مدیریت مدیران عامل بدون ارتباطات سیاسی دارند.

لاله مازین و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی ارتباط وابستگی دولتی با عملکرد شرکت را مورد بررسی قرار دادند. در این پژوهش، داده‌های ۷۳ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران جمع‌آوری شده و فرضیه تحقیق با استفاده از تحلیل ضرایب رگرسیون مورد آزمون قرار گرفته است. نتایج پژوهش بیانگر وجود رابطه مستقیم و معنادار بین مالکیت دولتی و عملکرد شرکت بود. حبیب‌زاده بایگی و دارابی (۱۳۹۵) به بررسی تأثیر مالکیت دولتی در عملکرد مالی و اقتصادی شرکت‌ها پرداختند. یافته‌های پژوهش حاکی از نبود رابطه معنادار بین مالکیت دولتی با عملکرد مالی و اقتصادی شرکت بود. از سوی دیگر، نتایج آزمون نشان داد بین اندازه شرکت با عملکرد مالی و اقتصادی شرکت رابطه معنادار و مستقیم و بین اهرم مالی با عملکرد مالی و اقتصادی شرکت رابطه معنادار و معکوس وجود دارد. حیدری و همکاران (۱۳۹۴) در تحقیق خود به بررسی رابطه بین هزینه‌های سیاسی و فرصت‌های رشد شرکت پرداختند و نتیجه تحقیق حاکی از آن بود که بین هزینه‌های سیاسی و فرصت‌های رشد شرکت ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. داودی نصر و حبیبی (۱۳۹۴) در تحقیقی به بررسی روابط سیاسی و مدیریت سود پرداختند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد شرکت‌های دارای روابط سیاسی به‌طور معناداری بیش از سایر شرکت‌ها به مدیریت سود واقعی از طریق اقلام تعهدی مبادرت می‌کنند. رضایی و ویسی حصار (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان اثر روابط سیاسی با دولت بر رابطه بین تمرکز مالکیت با کیفیت گزارشگری مالی و هزینه سهام عادی با استفاده از اطلاعات ۱۴۹ شرکت در دوره زمانی ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۲ به این نتیجه دست یافتند که در شرکت‌های دارای روابط سیاسی گسترده با دولت که ساختار مالکیت متمرکزی دارند، کیفیت سود پایین است. محمودآبادی و نجفی (۱۳۹۲) نیز در پژوهشی رابطه بین حمایت سیاسی و عملکرد شرکت‌ها را بررسی کردند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد بین حمایت سیاسی

¹ Lin et al.

² Cao et al.

و عملکرد شرکت‌ها رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. نیکومرام و همکاران (۱۳۹۲ الف) در پژوهشی به بررسی رابطه مدیریت سیاسی با مدیریت سود پرداختند. نتایج نشان داد مدیریت سیاسی با مدیریت سود رابطه مستقیم دارد. با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش، فرضیه پژوهش به صورت زیر بیان می‌شود «بین ارتباطات سیاسی و عملکرد مالی بانک رابطه معنادار وجود دارد».

۳ روش‌شناسی پژوهش

تحقیق حاضر از نظر هدف، پژوهشی کاربردی و از نظر شیوه گردآوری داده‌ها از نوع تحقیقات نیمه‌تجربی پس‌رویدادی در حوزه تحقیقات اثباتی حسابداری است که با استفاده از روش رگرسیون چندمتغیره و مدل‌های اقتصادسنجی انجام شده است.

۱.۳ داده‌ها و نمونه آماری

جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش را کلیه بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس و فرابورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ تشکیل می‌دهند و نمونه انتخابی تحقیق نیز بانک‌هایی‌اند که مجموعه شرایط زیر را دارا باشند:

- ۱- بانک‌هایی که قبل از سال ۱۳۹۰ در بورس و فرابورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده و تا پایان سال ۱۳۹۶ از فهرست بانک‌های بورسی و فرابورسی حذف نشده باشند (شایان ذکر است به دلیل آنکه در محاسبه انحراف معیار بازده دارایی به داده‌های دو سال گذشته هم نیاز است، لذا برای محاسبه این متغیر داده‌های سال ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ نیز لازم است)؛
- ۲- بانک‌هایی که اطلاعات مالی آن‌ها در دوره زمانی مذکور در دسترس باشد؛
- ۳- به منظور افزایش قابلیت مقایسه، سال مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفند باشد؛
- ۴- طی دوره مورد نظر، تغییر فعالیت و یا تغییر سال مالی نداده باشند.

پس از اعمال محدودیت‌های فوق، تعداد ۱۴ بانک بورسی و فرابورسی (طبق جدول ۱) به عنوان نمونه آماری مورد مطالعه در این پژوهش انتخاب شدند. داده‌های تحقیق حاضر با مراجعه به صورت‌های مالی و یادداشت‌های توضیحی همراه صورت‌های مالی بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران موجود در سامانه کدال، پایگاه اینترنتی بورس اوراق بهادار، و نرم‌افزار ره‌آورد نوین استخراج شد. جهت تجزیه و تحلیل نهایی داده‌ها نیز از نرم‌افزارهای اقتصادسنجی Eviews و Stata استفاده شده است.

جدول ۱

روند انتخاب نمونه آماری

شرايط و محدوديتها	تعداد	مانده
تعداد کل بانک‌هایی که قبل از سال ۱۳۹۲ در بورس و فرابورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده و تا پایان سال ۱۳۹۶ از فهرست بانک‌های بورسی و فرابورسی حذف نشده باشند.	۱۸	۱۸
بانک‌هایی که اطلاعات مالی آن‌ها در دوره زمانی مذکور در دسترس باشد.	۳	۱۵
به‌منظور افزایش قابلیت مقایسه، سال مالی آن‌ها منتهی به ۲۹ اسفند باشد.	۱	۱۴
طی دوره مورد نظر، تغییر فعالیت و یا تغییر سال مالی نداده باشند.	۰	۱۴
تعداد بانک‌های نمونه		۱۴

مأخذ: یافته‌های محقق

۲.۳ الگوی آزمون فرضیه

به‌منظور آزمون فرضیه پژوهش از الگوی رگرسیونی چندمتغیره زیر، که برگرفته از پژوهش هانگ و همکاران^۱ (۲۰۱۷) است، استفاده شده است:

$$PERF_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 PCON_{i,t} + \beta_2 SIZE_{i,t} + \beta_3 ETA_{i,t} + \beta_4 NITOI_{i,t} + \beta_5 CTI_{i,t} + \beta_6 LTA_{i,t} + \beta_7 ITL_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (1)$$

که در الگوی فوق:

$PERF_{i,t}$: یکی از دو شاخص عملکرد مالی بانک i در سال t ; $PCON_{i,t}$: ارتباطات سیاسی بانک i در سال t ; $SIZE_{i,t}$: اندازه بانک i در سال t ; $ETA_{i,t}$: نسبت حقوق صاحبان سهام به کل دارایی بانک i در سال t ; $NITOI_{i,t}$: درآمد بدون بهره به سود بانک i در سال t ; $CTI_{i,t}$: نسبت هزینه به سود بانک i در سال t ; $LTA_{i,t}$: نسبت وام به دارایی بانک i در سال t ; $ITL_{i,t}$: نسبت درآمد بهره به وام بانک i در سال t ; $\varepsilon_{i,t}$: جزء خطای مدل رگرسیون است. در ادامه، به معرفی هریک از متغیرهای پژوهش پرداخته می‌شود.

۳.۳ متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته این پژوهش عملکرد مالی است. در پژوهش حاضر به پیروی از هانگ و همکاران (۲۰۱۷)، از دو شاخص بازده دارایی و ریسک برای سنجش عملکرد مالی بانک‌ها استفاده شده است که این دو شاخص به‌صورت زیر تعریف می‌شوند:

¹ Hung et al.

بازده دارایی‌ها (ROA): برابر است با نسبت سود خالص بر ارزش دفتری مجموع دارایی‌ها.

ریسک (Z-Score): معمولاً برای نشان دادن احتمال عدم پرداخت بدهی بانک است و مقادیر بالای آن نشان می‌دهد بانک دارای ریسک پایین‌تر و شرایط پایدارتر است. از این رو برای تفسیر بهتر ارقام نهایی، می‌بایست مقادیر ریسک در عدد ۱- ضرب شوند. برای نرمال شدن داده‌ها از لگاریتم z-score استفاده شده است که فرمول آن به شرح زیر است:

$$Z - score = \text{Log} \left[\frac{\text{ROA} + \frac{\text{Capital}}{\text{Asset}}}{\text{StDev ROA}} \right] * (-1) \quad (2)$$

که در آن:

ROA: بازده دارایی‌های بانک در سال جاری، Capital: مجموع سرمایه بانک در سال جاری، Asset: مجموع دارایی‌های بانک در سال جاری، و StDev ROA: انحراف معیار بازده دارایی سال جاری به‌علاوه دو سال قبل بانک است.

متغیر مستقل پژوهش، ارتباطات سیاسی بانک (PCON) است. در ایران سهم دولت از اقتصاد نسبت به بخش خصوصی بیشتر است؛ تا حدی که اقتصاد ایران را می‌توان اقتصاد دولتی نام نهاد (رضازاده و آشتاب، ۱۳۸۹). دولتی بودن بیشتر شرکت‌ها و صنایع بزرگ تأثیرگذار در اقتصاد موجب افزایش قدرت دولت در تصمیم‌گیری و هدایت سیاست‌های کلان اقتصادی در بازار سرمایه شده است. به همین دلیل، شرکت‌ها تمایل زیادی به برقراری رابطه نزدیک با دولت دارند. این روابط منافع زیادی از قبیل امتیاز دسترسی به بازار، تخفیف‌های مالیاتی (لی و همکاران، ۲۰۰۸)، دسترسی آسان‌تر به اعتبارات (لئوز و اوبرهولزر-گی^۱، ۲۰۰۶)، و دریافت یارانه‌های دولتی (اشنبرگ و بارتلی^۲، ۲۰۰۱) را برای آن‌ها در پی خواهد داشت.

متغیر مذکور یک متغیر مجازی است که چنانچه بانک دارای ارتباطات سیاسی باشد، مقدار آن ۱ و در غیر این صورت عدد صفر در نظر گرفته می‌شود. نشانه‌های ارتباطات سیاسی بانک عبارت‌اند از: وجود اعضای هیئت‌مدیره وابسته به دولت، مجلس، و مانند این نوع نهادهای سیاسی و یا وجود سهامدار عمده (دارای حداقل ۱۰ درصد سهام دارای حق رأی) دولتی و شبه‌دولتی در بانک (نیکومرام و همکاران، ۱۳۹۲ الف).

¹ Leuz, & Oberholzer-Gee

² Schneiberg & Bartley

در این پژوهش، برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های مالی بانک که بر مبنای مطالعات قبلی (هانگ و همکاران، ۲۰۱۷) به‌عنوان عوامل مؤثر در عملکرد مالی بانک شناخته شده‌اند، در جدول ۲ به‌عنوان متغیرهای کنترلی معرفی شده‌اند که عبارت‌اند از:

جدول ۲

متغیرهای کنترلی و نحوه سنجش آن‌ها

متغیر	نماد	نحوه سنجش
اندازه بانک	SIZE	لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های بانک
حقوق صاحبان سهام به دارایی	ETA	نسبت حقوق صاحبان سهام به کل دارایی بانک
هزینه به سود	CTI	نسبت هزینه کل به سود بانک
وام به دارایی	LTA	نسبت کل وام‌ها به کل دارایی‌های بانک
درآمد بهره به وام	ITL	نسبت سود تسهیلات اعطایی به کل وام‌های بانک
درآمد بدون بهره به سود	NITOI	نسبت درآمد غیرمشاع به سود عملیاتی بانک

مأخذ: یافته‌های محقق

از آنجا که در این تحقیق برای سنجش عملکرد مالی از دو شاخص بازده دارایی‌ها (ROA) و ریسک (ZScore) استفاده شده است، لذا الگوی فوق برای هر یک از معیارهای عملکرد مالی به‌صورت جداگانه برآورد می‌شود. به‌دلیل آنکه داده‌های ترکیبی از نظر تعداد مشاهدات، پایین بودن احتمال هم‌خطی بین متغیرها، کاهش تورش برآورد و ناهمسانی واریانس بر الگوهای مقطعی یا سری زمانی برتری دارند (گجراتی^۱، ۲۰۰۹)، به‌منظور برآورد الگوهای تحقیق از تکنیک داده‌های ترکیبی استفاده شده است.

۴ یافته‌های پژوهش

۱.۴ آمار توصیفی

به‌منظور بررسی مشخصات عمومی متغیرها، همچنین برآورد الگو و تجزیه و تحلیل دقیق آن‌ها، آشنایی با آمار توصیفی مربوط به متغیرها لازم است. جدول ۳ آمار توصیفی متغیرهای مورد آزمون را که شامل برخی شاخص‌های مرکزی و پراکندگی است، برای نمونه‌ای متشکل از ۷۰ شرکت-سال مشاهده در فاصله زمانی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ نشان می‌دهد.

¹ Gujarati

جدول ۳ آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	نماد	میانگی ن	میانه	کمترین	بیشترین	انحراف معیار
بازده دارایی	ROA	۰/۰۱۲	۰/۰۱۱	-۰/۰۵۷	۰/۰۷۳	۰/۰۱۷
ریسک	Score-Z	-۱/۱۶	-۱/۲۱۹	-۲/۶۳۵	-۰/۳۴۶	۰/۵۰۱
اندازه بانک	SIZE	۱۸/۹۳	۱۸/۸۷۷	۱۵/۵۳۷	۲۱/۳۲۷	۱/۴۰۳
نسبت حقوق صاحبان سهام به کل دارایی	ETA	۰/۰۹۶	۰/۰۶۴	۰/۰۰۶	۰/۷۸۹	۰/۱۱۱
نسبت درآمد بدون بهره به سود	NITOI	۰/۴۶۲	۰/۳۵۷	-۰/۱۲۱	۱/۷۰۴	۰/۳۳۶
نسبت هزینه به سود	CTI	۳/۹۶۰	۱/۹۳۴	-۷/۱۰۸	۲۵/۵۱۹	۸/۱۰۸
نسبت وام به دارایی	LTA	۰/۷۲۱	۰/۷۴۱	۰/۱۶۱	۰/۹۴۱	۰/۱۵۷
نسبت درآمد بهره به وام	ITL	۰/۱۳۱	۰/۱۲۶	۰/۰۲۸	۰/۲۴۷	۰/۰۵۲

مأخذ: یافته‌های محقق

جدول ۴ نیز شاخص‌های درصد فراوانی و نما (مد) را برای متغیر مجازی پژوهش، که ارتباطات سیاسی است، ارائه می‌کند:

جدول ۴ درصد فراوانی و نما (مد) برای متغیرهای دوجویی

متغیر	نماد	مشاهدات	درصد فراوانی	درصد فراوانی ۱	مد
ارتباطات سیاسی	PCON	۷۰	٪۲۲/۸۶	٪۷۷/۱۴	۱

مأخذ: یافته‌های محقق

با توجه به جدول ۴، می‌توان دریافت حدود ۷۷ درصد از بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران دارای ارتباطات سیاسی‌اند. به عبارت دیگر، ۵۴ مشاهده از تعداد ۷۰ مشاهده سال-شرکت دارای روابط سیاسی بوده که از این تعداد (۵۴ مشاهده) ۲۲ مشاهده شامل بانک‌های پارسیان، ایران‌زمین، دی، حکمت، و اعتباری کوثر دارای عضو هیئت‌مدیره و وابسته به دولت، مجلس، و مانند این نوع نهادهای سیاسی‌اند و ۳۲ مشاهده شامل بانک‌های انصار، تجارت، سینا، صادرات، ملت، و پست‌بانک نیز دارای سهامدار عمده (دارای حداقل ۱۰ درصد سهام دارای حق رأی) دولتی و شبه‌دولتی‌اند. تقسیم‌بندی جزئی‌تر

بانک‌ها به‌همراه نام آن‌ها به بانک‌های دارای روابط سیاسی و فاقد روابط سیاسی در هر سال با توجه به دو معیار مذکور که در سنجش متغیرها توضیح داده شد، در پیوست آمده است.

۲.۴ نتایج آزمون فرضیه پژوهش

در داده‌های ترکیبی، ابتدا از آزمون F لیمر استفاده می‌شود تا تلفیقی یا تابلویی بودن داده‌ها مشخص شود و در صورت استفاده از روش داده‌های تابلویی، به‌منظور اینکه مشخص شود کدام روش (تأثیرات ثابت یا تصادفی) برای برآورد الگو مناسب‌تر است، از آزمون هاسمن استفاده می‌شود. همچنین، به‌منظور بررسی نرمال بودن توزیع اجزای اخلاص الگو از آزمون جاک-برا و برای تشخیص ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی سریالی در الگو به ترتیب از آزمون نسبت درست‌نمایی (LR) و وولدریج استفاده گردید که نتایج حاصل از این آزمون‌ها در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵

نتایج آزمون‌های مورد استفاده برای الگوهای پژوهش

نوع آزمون	الگو	آماره آزمون	سطح معناداری	نتیجه آزمون
آزمون F لیمر	الگوی (۱)	۲/۲۷۷	۰/۰۱۹	روش داده‌های تابلویی
	الگوی (۲)	۷/۳۸۱	۰/۰۰۵	روش داده‌های تابلویی
آزمون هاسمن	الگوی (۱)	۲۵/۱۴۹	۰/۰۰۱	روش اثرات تصادفی
	الگوی (۲)	۲۱/۰۶۲	۰/۰۰۲	روش اثرات تصادفی
آزمون جاک-برا	الگوی (۱)	۱/۹۴۶	۰/۳۷۸	نرمال بودن اجزای اخلاص الگو
	الگوی (۲)	۱/۸۴۸	۰/۳۹۶	نرمال بودن اجزای اخلاص الگو
آزمون نسبت درست‌نمایی	الگوی (۱)	۰/۷۲۸	۰/۶۲۹	عدم وجود ناهمسانی واریانس
	الگوی (۲)	۴۶/۵۷۲	۰/۰۰۰	وجود ناهمسانی واریانس
آزمون وولدریج	الگوی (۱)	۰/۲۴۱	۰/۶۴۹	عدم وجود خودهمبستگی
	الگوی (۲)	۲۲/۴۴۵	۰/۰۰۰	وجود خودهمبستگی

مأخذ: یافته‌های محقق

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده که در جدول ۵ ارائه شده است، سطح معناداری آماره F لیمر برای هر دو الگو کمتر از ۰/۰۵ است. بنابراین، فرضیه صفر آزمون رد شده و بیانگر آن است که برای تخمین الگوهای پژوهش باید از روش داده‌های تابلویی استفاده شود. همچنین

با توجه به نتایج آزمون هاسمن و سطح معناداری آن در تمام الگوها، فرضیه صفر رد می‌شود. لذا، لازم است الگوها به روش اثرات ثابت برآورد گردد. علاوه بر این، از آنجاکه سطح معناداری آزمون جارک- برا در هر دو الگو بیشتر از $0/05$ است، لذا فرض صفر مبنی بر نرمال بودن توزیع اجزای اخلاص الگوهای پژوهش تأیید می‌شود. نتایج آزمون نسبت درست‌نمایی و سطح معناداری آن نیز نشان می‌دهد که الگوی (۱) دارای مشکل ناهمسانی واریانس نیست، اما با توجه به اینکه سطح معناداری محاسبه شده الگوی (۲) کمتر از $0/05$ است، مشکل ناهمسانی واریانس وجود دارد که برای رفع این مشکل از روش حداقل مربعات تعمیم یافته برای برآورد این الگو استفاده شده است. همچنین، سطح معناداری آزمون وولدریج در الگوی (۱) حاکی از عدم وجود خودهمبستگی سریالی در الگوهاست، ولی سطح معناداری آزمون وولدریج در الگوی (۲) کمتر از $0/05$ است و مشکل خودهمبستگی سریالی وجود دارد که برای رفع این مشکل، از روش حداقل مربعات تعمیم یافته برای برآورد این الگو استفاده شده است تا فرض عدم وجود خودهمبستگی در تحلیل رگرسیون برقرار بماند و مشکل خودهمبستگی سریالی به این ترتیب حل شود. در نهایت، به منظور اطمینان از عدم وجود مشکل هم‌خطی بین متغیرهای توضیحی، آزمون هم‌خطی با استفاده از عامل تورم واریانس (VIF) مورد بررسی قرار گرفت که با توجه آنکه مقادیر این آماره برای متغیرهای توضیحی کمتر از ۱۰ است، لذا هم‌خطی بین آن‌ها وجود ندارد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه پژوهش به‌طور جداگانه بر اساس هریک از دو شاخص بازده دارایی‌ها و ریسک برای عملکرد مالی در جدول ۶ ارائه شده است.

جدول ۶

نتایج آزمون فرضیه پژوهش بر اساس دو شاخص عملکرد مالی

متغیر	نماد	بازده دارایی‌ها			ریسک	
		ضریب	انحراف معیار	آماره t	ضریب	انحراف معیار
عرض از مبدأ	BO	۰/۲۳۸*	۰/۱۰۶	۲/۲۵۶	۰/۰۱۹	۰/۰۶۷**
ارتباطات سیاسی	PCON	۰/۰۲۱*	۰/۰۱۲	۰/۱۵۴	۰/۰۱۳	۰/۰۲۶*
اندازه بانک	SIZE	۰/۰۱۴*	۰/۰۰۵	۰/۵۴۹	۰/۰۵۵	۰/۱۱۶*
نسبت حقوق صاحبان سهام به کل دارایی	ETA	۰/۰۶۴*	۰/۰۲۷	۲/۳۸۳	۰/۰۲۸	۰/۰۱۵
نسبت درآمد بدون بهره به سود	NITOI	۰/۰۰۶	۰/۰۰۶	۱/۰۰۱	۰/۰۳۳	۰/۱۳۵**
نسبت هزینه به سود	CTI	۰/۰۰۰۳	۰/۰۰۰۲	۱/۶۲۸	۰/۰۵۳	۰/۱۵۷**
نسبت وام به دارایی	LTA	۰/۰۴۴*	۰/۰۲۱	۲/۱۳۴	۰/۲۲۷	۰/۱۳۵
نسبت درآمد بهره به وام	ITL	۰/۰۷۲	۰/۰۵۷	۱/۲۶۸	۰/۰۵۱	۰/۱۰۲*
آماره F			۸/۴۴۰ **		۱۷/۷۸۳ **	آماره F
ضریب تعیین تعدیل شده			۰/۶۸۳		۰/۸۲۷	ضریب تعیین تعدیل شده
آماره دوربین واتسن			۲/۰۹۹		۱/۹۲۶	آماره دوربین واتسن

* و ** به ترتیب بیانگر معناداری آماری در سطح خطای ۵٪ و ۱٪ است.

مأخذ: یافته‌های محقق

ملاحظه مقادیر آماره‌های F در این جدول بیانگر معناداری کلی الگوهای رگرسیونی برازش شده در سطح خطای ۱ درصد است. مقادیر آماره دوربین-واتسن نیز حکایت از عدم وجود مشکل خودهمبستگی در میان جملات پسماند دارد. همان‌طور که در جدول ۶ نیز ملاحظه می‌شود، ضریب برآوردی و آماره t مربوط به متغیر ارتباطات سیاسی (PCON) بر اساس دو شاخص عملکرد مالی در سطح خطای ۵ درصد معنادار بوده و حاکی از وجود رابطه

منفی معنادار بین ارتباطات سیاسی و عملکرد مالی بانک است. در تحلیل این نتایج، می‌توان ادعان کرد یک واحد افزایش در متغیر ارتباطات سیاسی بانک به شرط ثابت بودن سایر متغیرها سبب می‌شود متغیر وابسته (بازده دارایی‌های بانک) به میزان $0/021$ کاهش و متغیر وابسته (ریسک بانک) به میزان $0/026$ افزایش یابد. براین اساس، فرضیه پژوهش در سطح خطای ۵ درصد پذیرفته می‌شود.

۵ نتیجه‌گیری و پیشنهادات

هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر روابط سیاسی در عملکرد مالی در بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس و فرابورس اوراق بهادار تهران است. برای آزمون فرضیه پژوهش از اطلاعات مالی بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس و فرابورس اوراق بهادار تهران در فاصله زمانی بین سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ استفاده شده است، به طوری که پس از اعمال محدودیت‌های موردنظر در این پژوهش، نمونه نهایی متشکل از ۱۴ بانک انتخاب شد. نتیجه حاصل از آزمون فرضیه پژوهش حاکی از آن است که بین ارتباطات سیاسی و عملکرد مالی بانک‌ها رابطه منفی و معناداری وجود دارد. نتایج پژوهش بیانگر این مطلب است که شرکت‌های قدرتمند سیاسی می‌توانند با اعمال فشار از بانک‌های دولتی وام بگیرند و این شرکت‌های وابسته به سیاست از این وام‌ها بهره‌مند خواهند شد، درحالی‌که بانک‌ها تحت فشار قرار می‌گیرند. علاوه بر این، بانک‌ها برای تضمین امنیت بانکی تمایل دارند اولویت را به جای سهامداران بانک به اعتباردهندگان بدهند؛ در نتیجه، به جای تلاش برای به حداکثر رساندن ارزش سهام، هیئت‌مدیره بانک‌های وابسته به سیاست ممکن است به علت فشار از سوی مقامات، به نفع دولت عمل کنند. چنین مشکلات نمایندگی همچنین در قالب وام‌های سیاسی و یا با گرایش به اهداف سیاسی نیز به وجود می‌آید که می‌تواند به عملکرد بانک آسیب برساند. از این رو، روابط قوی با دولت ممکن است به تمرکز کمتر بر حداکثرسازی ارزش سهام و عملکرد پایین منجر شود. نتیجه پژوهش حاضر با پژوهش نیکومرام و همکاران (۱۳۹۲ الف) همخوانی دارد. لیکن در پژوهش‌های هانگ و همکاران (۲۰۱۷)، بوباکری و همکاران (۲۰۱۲)، لاله ماژین و همکاران (۱۳۹۶)، حبیب‌زاده بایگی و دارابی (۱۳۹۵)، و محمودآبادی و نجفی (۱۳۹۲) ارتباط مثبت و معنادار دارد، درحالی‌که در پژوهش حاضر رابطه منفی و معنادار است.

با توجه به نتایج فرضیه پژوهش و رابطه بین روابط سیاسی و عملکرد مالی بانک‌ها، پیشنهاد می‌شود برای افزایش عملکرد مالی بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس و فرابورس اوراق بهادار تهران، استقلال اعضای هیئت‌مدیره و درصد مالکیت سهامداران عمده دولتی و شبه‌دولتی در سطح مناسبی قرار گیرد. همچنین، به مجامع عمومی صاحبان سهام پیشنهاد می‌شود در

انتخاب مدیران دقت کنند و مدیران مستقل و یا دارای نفوذ سیاسی کمتر را برگزینند. به سازمان بورس و فرابورس اوراق بهادار تهران و جامعه حسابرسان رسمی نیز پیشنهاد می‌شود نظارت و توجه بیشتری به فرایند گزارشگری مالی و حسابرسی بانک‌های دارای روابط سیاسی داشته باشند. در نهایت با توجه به نتایج پژوهش، پیشنهاد می‌شود فرایند خصوصی‌سازی بانک‌های کشور، مطابق با بند ج اصل ۴۴ قانون اساسی به‌طور کامل اجرا شود، زیرا اجرای ناقص آن موجب وجود ارتباط سیاسی و دوگانگی شده و کاهش عملکرد مالی بانک‌ها را به‌همراه خواهد داشت. با توجه به نتایج پژوهش و پرسش‌هایی که طی انجام آن برای محقق مطرح شد، جهت تکمیل این پژوهش و انجام پژوهش‌های بیشتر در حوزه‌های مرتبط با این پژوهش، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

- ۱- بررسی رابطه بین ارتباطات سیاسی با ضعف کنترل‌های داخلی در بانک‌ها؛
- ۲- بررسی رابطه بین ارتباطات سیاسی با مدیریت سود در بانک‌ها؛
- ۳- بررسی رابطه بین ارتباطات سیاسی با عملکرد مالی در بانک‌ها به کمک یک شاخص ترکیبی از ROA و ZScore.

فهرست منابع

- حبیبزاده بایگی، س. ج.، و دارابی، ر. (۱۳۹۵). نقش مالکیت دولتی بر معیارهای مالی و اقتصادی شرکت‌ها با استفاده از مدل رگرسیون فازی. *دوفصلنامه علمی پژوهشی حسابداری دولتی*، ۳(۱)، ۲۰-۹.
- حیدری، م.، دیدار، ح.، و قادری، ب. (۱۳۹۴). بررسی تجربی رابطه بین فرضیه هزینه‌های سیاسی و فرصت‌های رشد شرکت رویکرد مدل معادلات ساختاری. *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۱۲(۴۷)، ۱۴۱-۱۵۷.
- داودی نصر، م.، و حبیبی، ف. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر ارتباطات سیاسی بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. کنفرانس بین‌المللی مدیریت و علوم اجتماعی، دبئی، امارات.
- رضازاده، ج.، و آشتاب، ع. (۱۳۸۹). رابطه دقت پیش‌بینی سود و بازده سهام شرکت‌های جدیدالورود به بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهشنامه علوم اقتصادی*، ۹(۱)، ۷۶-۵۶.
- رضایی، ف.، و ویسی حصار، ث. (۱۳۹۳). اثر روابط سیاسی با دولت بر رابطه تمرکز مالکیت با کیفیت گزارشگری مالی و هزینه سهام عادی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۱(۴)، ۴۷۰-۴۴۹.
- سلگی، م. (۱۳۹۷). حاکمیت شرکتی و مدیریت ریسک: شواهدی از بانک‌های ایرانی. *فصلنامه پژوهش‌های پولی-بانکی*، ۱۱(۳۷)، ۵۰۰-۴۶۷.
- طالب‌لو، ر. و بهمن‌پور، ح. (۱۳۹۱). اثر مقررات بانکی بر رقابت در صنعت بانکداری ایران. *دانش مالی تحلیل اوراق بهادار*، ۵(۱۴)، ۴۰-۱۳.

- کرد، ب.، شیخ‌زاده، ش. و جعفری، ر. (۱۳۹۰). ارزیابی کارایی بانک‌ها به روش تحلیل پوششی داده‌ها (مطالعه موردی: یکی از بانک‌های استان سیستان و بلوچستان). سومین همایش ملی تحلیل پوششی داده‌ها، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد فیروزکوه.
- لاله ماژین، م.، زلفی، ح.، بیات، م.، و سبحانی، ع. (۱۳۹۶). تأثیر مالکیت دولتی بر عملکرد شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۹(۳۶)، ۱۵۱-۱۷۰.
- محمودآبادی، ح.، و نجفی، ز. (۱۳۹۲). نقش شفافیت اطلاعات در تبیین رابطه بین حمایت سیاسی دولت و عملکرد شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. حسابداری مدیریت، ۶(۱۸)، ۵۷-۷۱.
- مهدی‌فرد، م. ر. و رویایی، ر. ع. (۱۳۹۴). مدیریت سیاسی و قیمت سهام شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار: آزمون نظریه اقتصاد سیاسی. فصلنامه علمی پژوهشی دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، ۸(۲۵)، ۱۹-۲۸.
- نیکومرام، ه.، بنی‌مهد، ب.، رهنمای رودپشتی، ف.، و کیائی، ع. (۱۳۹۲ الف). دیدگاه اقتصاد سیاسی و مدیریت سود. حسابداری مدیریت، ۶(۱۸)، ۴۳-۳۱.
- نیکومرام، ه.، بنی‌مهد، ب.، رهنمای رودپشتی، ف.، و کیائی، ع. (۱۳۹۲ ب). اقتصاد مبتنی بر روابط سیاسی و کیفیت اقلام تعهدی. دانش حسابرسی، ۱۳(۵۰)، ۴۳-۵۶.
- Berger, A. N., Hasan, I., & Zhou, M. (2009). Bank ownership and efficiency in China: What will happen in the world's largest nation? *Journal of Banking & Finance*, 33(1), 113-130.
- Boubakri, N., Cosset, J. C., & Saffar, W. (2012a). The impact of political connections on firms' operating performance and financing decisions. *Journal of Financial Research*, 35(3), 397-423.
- Cao, J., Lemmon, M. L., Pan, X., & Tian, G. G. (2009). *Political Promotion, CEO Compensation and Their Effect on Firm Performance*. AFA 2011 Denver Meetings Paper.
- Chaney, P. K., Faccio, M. & Parsley, D. C. (2012). *The Quality of Accounting Information in Politically Connected Firms* (Working paper). Vanderbilt University.
- Faccio, M. (2010). Differences between politically-connected and nonconnected firms: A cross-country analysis. *Financial Management*, 39(3), 905-927.
- Faccio, M., Masulis, R. W., & McConnell, J. J. (2006). Political connections and corporate bailouts. *The Journal of Finance*, 61(6), 2597-2635.

- Fan, G. & Wang, X. (2006). *Marketization index for China's provinces*. China: National Economic Research Institute.
- Fan, J. P., Wong, T. J., & Zhang, T. (2007). Politically connected CEOs, corporate governance, and Post-IPO performance of China's newly partially privatized firms. *Journal of Financial Economics*, 84(2), 330-357.
- Fan, J. P. H., Rui, O. M. & Zhao, M. (2008). Public governance and corporate finance: Evidence from corruption cases. *Journal of Comparative Economics*, 36, 343-364.
- Fisman, R. (2001). Estimating the value of political connections. *The American Economic Review*, 94(4), 1095-1102.
- Gujarati, D.N. (2009). *Basic Econometrics*. 5th edition. New York: Mc Graw-Hill.
- Goldman, E., Rocholl, J., & So, J. (2009). Do politically connected boards affect firm value? *Review of Financial Studies*, 22(6), 2331-2360.
- Gu, F. F., Hung, K., & Tse, D. K. (2008). When does guanxi matter? Issues of capitalization and its dark sides. *Journal of Marketing*, 72(4), 12-28.
- Gul, F. A. (2006). Auditors' response to political connections and cronyism in Malaysia. *Journal of Accounting Research*, 44(5), 931-963.
- Habib, A., Muhammadi, A., & Jiang, H. (2017). Political connections and related party transactions: Evidence from Indonesia. *The International Journal of Accounting*, 52, 45-63.
- Hassan, T., Hassan, M. K., & Mohamad, S. (2012). Political patronage and firm performance: Further evidence from Malaysia. *Thunderbird International Business Review*, 54(3), 373-393.
- Houston, J. F., Jiang, L., Lin, C., & Ma, Y. (2014). Political connections and the cost of bank loans. *Journal of Accounting Research*, 52(1), 193-243.
- Hung, C-H. D., Jiang, Y., Liu, F. H., Tu, H., & Wang, S. (2017). Bank political connections and performance in China. *Journal of Financial Stability*, 32, 57-69.
- Johnson, S., & Mitton, T. (2003). Cronyism and capital controls: Evidence from Malaysia. *Journal of Financial Economics*, 67(2), 351-382.

- Khwaja, A. I., & Mian, A. (2005). Do lenders favor politically connected firms? Rent provision in an emerging financial market. *The Quarterly Journal of Economics*, 120(4), 1371-1411.
- Lee, W. & Wang, L. (2016). Do political connections affect stock price crash risk? Firm-level evidence from China. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 1, 1-34.
- Leuz, C., & Oberholzer-Gee, F. (2006). Political relationships, global financing, and corporate transparency. *Journal of Financial Economics*, 81(2), 411-439.
- Li, H., Meng, L., Wang, Q., & Zhou, L. (2008). Political connections, financing and firm performance: Evidence from Chinese private firms. *Journal of Development Economics*, 87, 283-299.
- Lin, C., Lin, P., Song, F. M., & Li, C. (2011). Managerial incentives, CEO characteristics and corporate innovation in China's private sector. *Journal of Comparative Economics*, 39(2), 176-190.
- Onali, E., Galiakhmetova, R., Molyneux, P., & Torluccio, G. (2016). CEO power, government monitoring, and bank dividends. *Journal of Financial Intermediation*, 27, 89-117.
- Park, S. H., & Luo, Y. (2001). Guanxi and organizational dynamics: Organizational networking in Chinese firms. *Strategic Management Journal*, 22(5), 455-477.
- Schneiberg, M., & Bartley, T. (2001). Regulating American industries: Markets, politics, and the institutional determinants of fire insurance regulation. *American Journal of Sociology*, 107(1), 101-146.
- Xin, K. K., & Pearce, J. L. (1996). Guanxi: Connections as substitutes for formal institutional support. *Academy of Management Journal*, 39(6), 1641-165.

پیوست

جدول پ ۱ - فاکتورهای روابط سیاسی مربوط به هر بانک به تفکیک سال

نام بانک	سال	عضو دولتی	سهامدار ۱۰٪ به بالای دولتی	ارتباط سیاسی (PCON)
اعتباری کوثر	۱۳۹۲	۱	۰	۱
اعتباری کوثر	۱۳۹۳	۱	۰	۱
اعتباری کوثر	۱۳۹۴	۱	۰	۱
اعتباری کوثر	۱۳۹۵	۱	۰	۱
اعتباری کوثر	۱۳۹۶	۱	۰	۱
اقتصاد نوین	۱۳۹۲	۰	۰	۰
اقتصاد نوین	۱۳۹۳	۰	۰	۰
اقتصاد نوین	۱۳۹۴	۰	۰	۰
اقتصاد نوین	۱۳۹۵	۰	۰	۰
اقتصاد نوین	۱۳۹۶	۰	۰	۰
انصار	۱۳۹۲	۰	۱	۱
انصار	۱۳۹۳	۰	۱	۱
انصار	۱۳۹۴	۰	۱	۱
انصار	۱۳۹۵	۰	۱	۱
انصار	۱۳۹۶	۰	۱	۱
پارسیان	۱۳۹۲	۰	۱	۱
پارسیان	۱۳۹۳	۱	۰	۱
پارسیان	۱۳۹۴	۰	۱	۱
پارسیان	۱۳۹۵	۱	۰	۱
پارسیان	۱۳۹۶	۱	۰	۱
تجارت	۱۳۹۲	۰	۱	۱
تجارت	۱۳۹۳	۰	۱	۱
تجارت	۱۳۹۴	۰	۱	۱
تجارت	۱۳۹۵	۰	۱	۱
تجارت	۱۳۹۶	۰	۱	۱
خاورمیانه	۱۳۹۲	۰	۰	۰
خاورمیانه	۱۳۹۳	۰	۰	۰
خاورمیانه	۱۳۹۴	۰	۰	۰
خاورمیانه	۱۳۹۵	۰	۰	۰
خاورمیانه	۱۳۹۶	۰	۰	۰
سینا	۱۳۹۲	۰	۱	۱
سینا	۱۳۹۳	۰	۱	۱
سینا	۱۳۹۴	۰	۱	۱
سینا	۱۳۹۵	۰	۱	۱
سینا	۱۳۹۶	۰	۱	۱
صادرات	۱۳۹۲	۰	۱	۱
صادرات	۱۳۹۳	۰	۱	۱
صادرات	۱۳۹۴	۰	۱	۱

ادامه جدول پ ۱ - فاکتورهای روابط سیاسی مربوط به هر بانک به تفکیک سال

نام بانک	سال	عضو دولتی	سهامدار ۱۰٪ به بالای دولتی	ارتباط سیاسی (PCON)
صادرات	۱۳۹۵	۰	۱	۱
صادرات	۱۳۹۶	۰	۱	۱
کارآفرین	۱۳۹۲	۰	۰	۰
کارآفرین	۱۳۹۳	۰	۰	۰
کارآفرین	۱۳۹۴	۰	۰	۰
کارآفرین	۱۳۹۵	۰	۰	۰
کارآفرین	۱۳۹۶	۰	۰	۰
ملت	۱۳۹۲	۰	۱	۱
ملت	۱۳۹۳	۰	۱	۱
ملت	۱۳۹۴	۰	۱	۱
ملت	۱۳۹۵	۰	۱	۱
ملت	۱۳۹۶	۰	۱	۱
پست بانک	۱۳۹۲	۰	۱	۱
پست بانک	۱۳۹۳	۰	۱	۱
پست بانک	۱۳۹۴	۰	۱	۱
پست بانک	۱۳۹۵	۰	۱	۱
پست بانک	۱۳۹۶	۰	۱	۱
ایران زمین	۱۳۹۲	۱	۰	۱
ایران زمین	۱۳۹۳	۱	۰	۱
ایران زمین	۱۳۹۴	۱	۰	۱
ایران زمین	۱۳۹۵	۱	۰	۱
ایران زمین	۱۳۹۶	۰	۰	۰
دی	۱۳۹۲	۱	۰	۱
دی	۱۳۹۳	۱	۰	۱
دی	۱۳۹۴	۱	۰	۱
دی	۱۳۹۵	۱	۰	۱
دی	۱۳۹۶	۱	۰	۱
حکمت	۱۳۹۲	۱	۰	۱
حکمت	۱۳۹۳	۱	۰	۱
حکمت	۱۳۹۴	۱	۰	۱
حکمت	۱۳۹۵	۱	۰	۱
حکمت	۱۳۹۶	۱	۰	۱

